

# دل نوشته دانشجویان با شهدای گمنام دانشگاه فنی و حرفه‌ای ولی عصر (عج)

سپیده سادات هل اتایی: از کرامات شهدا همین بس که اگر نبودند زمین از برکت و لطف خالی می‌ماند آنان همیشه زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی می‌خورند. غریب و خسته و بی‌نام رفتند به یاد فاطمه (س) گمنام رفتند. به زهرا (س) اقتدا کردند و رفتند.

نرگس نامور: شهید گمنام، رها تر از رهایی

طلعت علی خواجه: سلام بر تو ای پیکر گمنام. ای شهید گمنام که رفتی و قبل رفتن پلاکت را دفن کردی که کسی بر هویت تو پی نبرد و گمنام بمانی برای زمینی‌ها. سلام بر تو که با فدا کاریت به همه نشان دادی که جان خود را فدای می‌کنی. برکت شهدا، عزت و سر بلندیست که نزد خدا دارند. شهدا فرشته‌های روی زمین هستند که خدا می‌خواست کنار خودش باشند، چون شهدا نزد خدا خیلی عزیز هستند.

زهرا عاشوری بید رونی: گاه دلم می‌گیرد، شهیدان را به خاطر می‌آورم و غصه‌هایم را برایشان بازگو می‌کنم و سلامی بر روح مقدسشان می‌فرستم و از خشن بودن روزگار و دل شکستگی‌ها گلایه می‌کنم و می‌خواهم که یاریم کنند که بیشتر و بیشتر به سوی خداوند راهی شوم و در راه خدا ثابت قدم تر باشم. شهدا مظهر و نمود پاکی‌ها و آرامش هستند. وجود شهیدان فضیلت بخش و مایه‌ی امید و بودن و تلاش بیشتر برای آباد کردن میهن اسلامی است.

منیره دهقان: شهدا دعا داشتن، ادعا نداشتن! نیایش داشتن نمایش نداشتن. حیا داشتن ریا نداشتن. رسم داشتن اسم نداشتن. با حضور شهدا فضای دانشگاه روحانی تر شده و یک نوع آرامش خاطر در فضای دانشگاه حکم فرماست.

محفوظ: چه خوب شد که آمدید و چه خوبتر که مهمان خانه‌ی ما شدید. گاهی با خود فکر می‌کنم چطور می‌توانید راضی شوید که سالها مادرتان چشم انتظارتان بماند؟ وقتی اسم تو را می‌شنوند اشک در چشمانشان حلقه می‌زند. پدرتان هنوز که هنوز است غصه دار است. آخر غم فرزند که فراموش شدنی نیست! اما می‌دانم به پاس این همه انتظار و صبر، تو شفاعتشان را خواهی کرد ...

سلام بر شهدا؛ قلمم برای نوشتن حرکت نمی‌کند. چه بنویسم برایتان که لیاقت صحبت کردن با شما را ندارم.

از گناهانم خجالت می‌کشم. من خودم را لایق نمی‌دانم ولی ملت‌مانه از شما می‌خواهم اول هدایتمان کنید که گناه نکنیم و بعد واسطه شفاعتمان شوید.

کره کور دلم دست شمارا می‌طلبد